

**به نظر هیچ کس امروزه انگلیسی صحبت نمی کند: بهبود ارزیابی و آموزش در انگلیسی حمل و نقل هوایی**

**دن داگلاس**

**دانشگاه ایالتی آیووا، آمریکا**

سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری (ایکائو) در سال ۲۰۰۳، مقرراتی را مبنی بر در دسترس قرار گرفتن انگلیسی در جهت ارتباط رادیو-تلفنی بین المللی، تقویت بخشید. ایکائو همچنین معیارهایی را برای مهارت انگلیسی خلبانان بین المللی و اداره کنندگان حمل و نقل هوایی تدوین نمود. با این وجود، این معیارها در کشورهای مختلف به طرق متفاوت انجام می شوند و در هیچ کشوری بومی زبانان انگلیسی به هنگام ارتباط بین فرهنگی برای قدرتشان در به کار بستن آنچه "توانایی تعاملی" نامیده می شود، ارزیابی نمی شوند. در این زمینه مسائل مرور گردیده و پیشنهاداتی جهت توسعه ارزیابی و آموزش انگلیسی ارائه می گردد.

**تفاوت‌های ناشی از جنسیت و رشته تحصیلی در استفاده دانشجویان انگلیسی با اهداف ویژه از**

**راهبردهای فراشناختی**

**زهره سیفوری**

**دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران**

فراشناخت به معنای تفکر آگاهانه در مورد آموزش خویش است. اجرای راهبردهای فراشناختیبه فرد آموزنده امکان می دهد تا با تعیین اهداف آموزشی، عملکرد خود را برنامه ریزی و ارزیابی نماید، و با جستجوی فرصتهای ارتباطی و استفاده کاربردی از دانش زبانی خویش توجه خود را از یک سو به داده های زبانی دریافتیمعطوف نموده و از سویی با توجه به نارساییهای زبانی خویشدرجهت رفع این خطاها و بهبود دستاوردهای آموزشی خود گام بردارد. تحقیق حاضر با دو هدف خاص انجام گرفت: سنجش میزان استفاده هشت گروه از دانشجویان سال اول رشته هایمهندسی مکانیک، مهندسی کامپیوتر، مدیریت و روانشناسی از راهبردهای فراشناختی در درس انگلیسی با اهداف ویژه و نیز محاسبه میزان تفاوتهای موجود ناشی از رشته تحصیلی و جنسیت دانشجویان. پس از سنجش همگنی اولیه گروههای تحقیق با استفاده از یک آزمون استاندارد سطوح مبتدی، بخش راهبردهای فراشناختی پرسشنامه راهبردهای آموزش زبان دوم آکسفورد (۱۹۸۵) در گروهها اجرا گردید. تحلیلآمارای اوریانس بین گروههایداده های تحقیق مویداستفاده بیشتردانشجویان رشته های کامپیوتر و مهندسی مکانیک از راهبردهای فراشناختی بود. متغیر جنسیت تنها در کاربرد راهبرد خود-ارزیابی تاثیرناچیز و غیر معناداری را نشان داد. نتایجتحقیق حاضر نیاز دانشجویان دختر و پسر هر چهار رشته رابه آموزش راهبردهای فراشناختی در درسانگلیسی با اهداف ویژه مورد تاکید قرار داد.

## شکل گیری گفتمان‌مدار انگیزش زدایی فراگیران دانشگاهی ایرانی زبان انگلیسی

ناصر رشیدی، محمد رحیمی و زهرا علیمراد

دانشگاه شیراز، ایران

بررسی اینکه چگونه گفتمان فراگیران به عنوان واسطه برای شکل گیری انگیزش زدایی آنها عمل می کند زمینه پژوهشی نسبتاً نوینی است. این تحقیق به بررسی شکل گیری گفتمان‌مدار انگیزش زدایی چهار (دو پسر و دو دختر) دانشجوی ایرانی زبان انگلیسی در دانشگاه شیراز می پردازد. با بکار گیری چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف (۲۰۰۳) این پژوهش نشان داد که انگیزش زدایی تک بعدی و ایستا نیست. بلکه پویا و چند بعدی و پیچیده است که در تعامل دایم بین فرد و بافت اجتماعی به شیوه گفتمان‌مدار شکل می گیرد. یافته های تحقیق همچنین نشان داد که شکل گیری انگیزش زدایی شامل تعامل همزمان روابط بین فردی چند لایه فراگیران، خود راهنماهای آینده شان، عوامل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی در سطح خرد و کلان است.

## تأثیر تولید اجباری بر صحت و روانی گفتار فراگیران ایرانی

آرام رضا صادقی بنیس و وحید عدالتی بزاز

دانشگاه سمنان، ایران

مطالعه حاضر اقدام به ایجاد داده های کمی جهت اثر تولید اجباری بر روی دو جزء مهارت گفتاری (به عنوان مثال صحت و روانی گفتار) نموده است. برای رسیدن به این هدف، ۳۰ زبان آموز دختر با استفاده از مصاحبه شفاهی آیلتس از جمعیت ۵۰ نفری انتخاب شدند و به صورت تصادفی به دو گروه آزمایشی و شاهد تقسیم گردیدند. زبان آموزان در گروه آزمایشی تحت شرایط تولید اجباری قرار گرفتند، در حالیکه زبان آموزان در گروه شاهد تحت شرایط تولید غیر اجباری بودند. داده ها از طریق آزمون آیلتس برای سنجش مهارت گفتاری هم در پیش آزمون و هم پس آزمون جمع آوری شدند و مصاحبه هر زبان آموز به صورت جداگانه ضبط و سپس رونویسی و کدگذاری شد تا صحت و روانی گفتار اندازه گیری شود. سپس جهت تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده از آزمون تی مستقل استفاده شد. نتایج آماری نشان داد که گروه آزمایشی در صحت گفتار از گروه شاهد بهتر عمل کردند. در مقابل، یافته ها ثابت می کند که تولید اجباری هیچ تاثیری بر روانی گفتار ندارد. اثر مثبت ارائه شده تولید اجباری در این مطالعه با ساختار فرضیه تولید اجباری سویین (۱۹۸۵) همخوانی دارد. نتایج این مطالعه می تواند برخی از بینش های مفید را در برنامه درسی و تدریس زبان انگلیسی ارائه نماید.

## تأثیر مرور سوالات، تکرار درون داد، و آشنایی با موضوع بر درک شنیداری زبان آموزان ایرانی

افسر روحی

دانشگاه پیام نور واحد اردبیل، ایران

سیده معصومه نبوی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، ایران

حسن محبی

دانشگاه تهران – پردیس البرز، ایران

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر مرور سوالات، تکرار درون داد، و آشنایی با موضوع بر درک شنیداری زبان آموزان انگلیسی می پردازد. در این راستا، ۱۰۴ دانش آموز مقطع دبیرستان به صورت تصادفی در ۴ گروه مرور سوالات، تکرار درون داد، آشنایی با موضوع و گواه قرار گرفتند. در گروه مرور سوالات، آزمودنی ها سوالات درک مطلب را قبل از گوش دادن به متن و پاسخ دادن به سوالات مطالعه کردند. گروه آشنایی با موضوع از متن های مرتبط با موضوع اصلی که به زبان فارسی ترجمه شده بودند و مرور سوالات بهره بردند و سپس به متن های اصلی گوش داده و به سوالات پاسخ دادند. گروه تکرار درون داد قبل از پاسخ گویی به سوالات دو بار به متن ها گوش داده و در هر دفعه به مرور سوالات پرداختند. گروه گواه قبل از پاسخ دادن به سوالات فقط یک بار به متن ها گوش دادند. نتیجه به دست آمده از تحلیل داده ها بیانگر این بود که گروه آشنایی با موضوع عملکرد بهتری در مقایسه با سایر گروههای شرکت کننده داشت. آزمودنی های گروه تکرار درون داد نیز به نوبه خود بهتر از آزمودنی های گروه مرور سوالات عمل کردند. با این حال، تفاوت معنی داری بین گروه مرور سوالات و گروه تکرار درون داد مشاهده نشد. بر اساس نتایج به دست آمده می توان چنین استدلال نمود که آشنا کردن زبان آموزان با موضوع یا فعال کردن دانش پیش زمینه ای آنها و تکرار متن شنیداری میتواند توانش درک شنیداری زبان آموزان را در کلاس های آموزش زبان انگلیسی بهبود بخشد. یافته ها و پیشنهاد های آموزشی این پژوهش به تفصیل شرح داده شده است.

## نقش انگیزه ابزاری و یکپارچه در پیش بینی سطح تمایل به برقراری ارتباط با استفاده از زبان دوم در ساختار یادگیری زبان انگلیسی در ایران

مهسا قنبرپور

دانشگاه تهران، ایران

از آنجا که ارتقاء توانش زبانی یادگیرندگان زبان دوم یکی از ارکان مهم رویکردهای ارتباطی در آموزش زبان است، تعداد مطالعات انجام شده بر روی تمایل به برقراری ارتباط (WTC) در زبان دوم، که بر گرایش افراد به شروع مکالمه با استفاده از زبان دوم اثر می گذارد، از اواخر دهه ۸۰ میلادی افزایش یافته است. اهداف اصلی پژوهش حاضر عبارتند از: (الف) بررسی ارتباط میان انگیزه ابزاری و انگیزه یکپارچه زبان آموزان و تمایل آنان به برقراری ارتباط به زبان دوم، (ب) سنجش میزان تاثیر انگیزه ابزاری و انگیزه یکپارچه در توضیح سطح تمایل به برقراری ارتباط به زبان دوم، (ج) بررسی اینکه کدامیک از دو نوع انگیزه مذکور از قابلیت بهتری در پیش بینی سطح تمایل به برقراری ارتباط به زبان دوم برخوردار است، و (د) آزمودن اینکه آیا تفاوت معناداری میان ۳ گروه از زبان آموزان با سطح پایین، متوسط، و بالایی از انگیزه ابزاری و یکپارچه از لحاظ سطح تمایل آنان به برقراری ارتباط به زبان دوم وجود دارد. به منظور دستیابی به این اهداف، ۱۸۸ دانشجوی ایرانی که همگی زبان آموزان زبان انگلیسی بودند از طریق نمونه برداری تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه تمایل به برقراری ارتباط به زبان دوم و نیز پرسشنامه انگیزه یادگیری زبان را پر کردند. نتایج تحلیل مسیر و رگرسیون چندگانه استاندارد نشان داد که علیرغم اینکه هر دو نوع انگیزه - ابزاری و یکپارچه - نقش چشمگیر و معناداری در توضیح سطح برقراری ارتباط به زبان دوم داشتند، انگیزه ابزاری، که به تنهایی ۴۷٪ از میزان تغییر در سطح برقراری ارتباط به زبان دوم را تبیین می کند، از قدرت بالاتری در پیش بینی متغیر وابسته برخوردار است. همچنین با استناد به نتایج آنالیز واریانس یک طرفه بین گروه ها، تفاوت معناداری میان میزان تمایل به برقراری ارتباط در ۳ گروه یادگیرندگان زبان انگلیسی، که از سطوح متفاوتی از انگیزه ابزاری و یکپارچه برخوردار بودند، ملاحظه شد. این یافته ها بر اطلاعات موجود در زمینه ارتباط میان انگیزه و تمایل به برقراری ارتباط به زبان دوم در ساختار یادگیری زبان انگلیسی در ایران خواهند افزود، و جوهی چند از پویایی و پیچیدگی فرایند تمایل به برقراری ارتباط با استفاده از زبان دوم را آشکار خواهند ساخت.

## **تأثیر بازخورد تعاملی شفاهی بر صحت و پیچیدگی نگارش زبان آموزان ایرانی: اصلاح فوری غلط و به خاطر سپاری**

**رویا اکبرزاده، مهناز سعیدی و مهتاب چهره**

**دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران**

نقش تعامل و همکاری بین معلم و دانش آموز در حل مشکلات زبانی اخیراً محور اصلی پژوهشهای مربوط به یادگیری زبان دوم بوده است. بر این اساس، پژوهش حاضر تأثیر بازخورد تعاملی شفاهی را با استفاده از فراخوانی و اشارات فرازبانی بر صحت و پیچیدگی نوشتار زبان آموزان سطح متوسط ایرانی در اصلاح فوری انشا و پس از آزمون مورد بررسی قرار داده است. پس از حصول اطمینان از همگن بودن مهارت زبانی شرکت کنندگان، محققان با استفاده از پیش آزمون، ۵۰ دانشجوی سال دوم را به صورت تصادفی و در دو گروه ۲۵ نفری تحت عنوان گروه بازخورد تعاملی شفاهی و گروه بازخورد صریح انتخاب کردند. شرکت کنندگان گروههای فوق به ترتیب بازخورد تعاملی شفاهی شامل فراخوانی و اشارات فرازبانی، و اصلاح صریح شفاهی را در خصوص غلطهای نوشتاری خود دریافت کردند. بازبینی های فوری شرکت کنندگان نسبت به انشاهایشان که نشانگر اصلاح فوری غلط، و یک پس آزمون که نشانگر به خاطر سپاری تأخیری بود برای جمع آوری اطلاعات مورد استفاده قرار گرفتند. با بکارگیری آزمون آنکووا محققان دریافتند که از نظر صحت و پیچیدگی در انشاهای بازبینی شده و همچنین در پس آزمون، گروه بازخورد تعاملی شفاهی عملکرد بهتری نسبت به گروه بازخورد صریح داشتند. نتایج بدست آمده از این مطالعه می تواند معلمان زبان را به استفاده بیشتر از بازخورد تعاملی شفاهی با استفاده از فراخوانی و اشارات فرازبانی در اصلاح غلطهای زبان آموزان ایرانی در گفتن نوشتاری ترغیب کند.